روزنه

نگرانی از آینده انقلاب‌های عربی

■ برخی از رهبران عربستان سعودی تا آنجا سن‌شان قدمی‌دهد که بگویند این فیلم را در گذشته هم دیده‌اند. انقلاب‌های قوم‌گرای عرب که در دهه ۵۰ و ۶۰قرن بیستم اتفاق افتاد، بخشی از همین فیلم بود. جنبش‌هایی که تحت لوای رهبری جمال عبدالناصر به پیش می‌رفت و حتی می‌خواست رژیم آل‌سعود را هم سرنگون کند اما چنین اتفاقی رخ نداد. با این حال سران عربستان احساس می‌کنند چیزهایی در خاورمیانه تغییر کرده است: نسل جوان عرب دیگر نمی‌تواند دولت‌های غیرپاسخگو و فاسد و وحشی را بپذیرد. واقعیت این است که عربستان سعودی که خود را به نوعی دژ محکمی برای جریان اسلام‌گرای محافظه‌کار می‌داند، نمی‌تواند دموکراسی را به عنوان شکلی از مشروعیت رژیم خود بپذیرد. به همین دلیل بود که خاندان حاکم، باسرعت برگزاری هرگونه تظاهرات عمومی یا شورش‌های مدنی را ممنوع کرد. تفسیر سنتی از اسلام در عربستان مشروعیت سیاسی لازم را در اختیار حکام می‌گذارد و در برابر آن از مردم می‌خواهد که به اطاعت از حاکم در چارچوب شریعت اسلامی روی آورند. از این رو مخالفان، با هرگرایشی حق دارند تنها نقش ناصحان را برعهده گیرند که با حسن‌نیت در نشست‌های خاص توصیه‌های خود را تقدیم حکام می‌کنند. اما تظاهرات عمومی از سوی معترضان حرکتی بر ضد اسلام تلقی می‌شود، زیرا موجب ایجاد شکاف و نزاع داخلی می‌شود. شورای‌عالی روحانیون سعودی از همان ابتدا اعلام کردند برگزاری هرگونه تظاهراتی قطعا مخالف با اسلام است. در تاریخ یازدهم مارس زمانی که در صفحات فیس‌بوک در عربستان نیز روز خشم اعلام شد، بلافاصله حاکمان سعودی تعداد زیادی از نیروهای ضد شورش خود را به خیابان‌ها گسیل داشتند.

بذل و بخشش

اعلام شورای‌عالی روحانیون عربستان مبنی بر ممنوع بودن هرگونه تظاهرات به‌اضافه کمک‌های مالی دولت توانست تا حدودی آرامش را در داخل به وجود آورد. دولت به طوری غیرمنتظره تصمیم گرفت ۱۳۰میلیارد دلار طی پنج سال آینده در راه رفاه مردم هزینه کند. حقوق همه کارمندان بخش عمومی که سهم عمده‌ای در نیروی کار سعودی دارند، تا حدودی ارتقا پیدا کرد. کمااینکه تصمیم گرفته شد تعداد مشاغل بخش عمومی توسعه یابد. ملک عبدالله شخصا تعهد کرد واحدهای مسکونی جدیدی ساخته شود و این مساله برای بسیاری از جوانانی که دسترسی به خانه ندارند به‌خصوص آنهایی که ازدواج کرده‌اند، بسیار اهمیت داشت. در بحرین نیز سعودی‌ها به سرعت دست به کار شدند تا نظام حاکم را که در اختیار یک اقلیت سنی بود، در برابر موج اعتراضات حفظ کنند. نیروهای نظامی عربستان تحت پرچم شورای همکاری خلیج‌فارس به منامه اعزام شدند تا تظاهرات مخالفانی را که به وسیله شیعیان رهبری می‌شد، سرکوب کنند. عربستان دستورداده بود با معترضان با سیاست مشت آهنین برخورد شود و یک‌بار دیگر مدعی شد که ایران در این ناآرامی‌ها دست دارد. تردیدی وجود ندارد که سعودی‌ها اجازه نخواهند داد بحرین یک‌بار دیگر تحت نفوذ ایران قرار گیرد. پس از آن عربستان دست به بذل و بخشش سخاوتمندانه‌ای زد و قول یک کمک ۱۰میلیارد دلاری طی ۱۰سال آینده به بحرین داد؛ کمااینکه یک تعهد مالی هنگفت دیگر به عمان و اردن داد. یعنی دو کشوری که جزو هم‌پیمانان سعودی به حساب می‌آیند و تا حدودی توانستند اعتراضات مردمی را در کشورشان ساکت کنند.

نقش دوگانه

سعودی‌ها در همان حال که اجازه برگزاری تظاهرات در کشور خود یا هم‌پیمانان نزدیکش را نمی‌دهند از جریان‌های اعتراضی در دیگر کشورها حمایت می‌کنند. در ظاهر مقامات سعودی درباره سوریه و لیبی کمتر حرف می‌زدند، شاید به دلیل اینکه نمی‌خواستند از طرف شکست خورده در یک شرایط مبهم دفاع کنند. اما واقعیت چیز دیگری بود. عربستان هرگز دوست معمر قذافی، رهبر لیبی نبود و قذافی هم روزگاری امیر عبدالله را تهدید به ترور کرده بود. برای همین آرزو داشتند که این رژیم هرچه زودتر سرنگون شود. با این حال آنها از قیام مردم لیبی نیز سود چندانی نمی‌برند. در مورد سوریه که از نظر جغرافیایی به عربستان نزدیک‌تر است، باید گفت از دیرباز عربستان از دست بشار اسد کفری بود. زیرا او را هم‌پیمان با ایران می‌دانست که به نظر سعودی‌ها در لبنان هم نقشی دوگانه را بازی می‌کرد. با این حال سقوط اسد به معنای حاکمیت اخوان المسلمین بر این کشور خواهد بود و یا بدتر از آن فرو غلتیدن کشور در یک هرج‌ومرج و کشیده شدن همه این نابسامانی‌ها به لبنان یا کل منطقه است .یمن نیز یکی دیگر از قلمروهای بازی سعودی‌هاست که تهدیدی مستقیم را متوجه این کشور می‌کند. مخالفان در این کشور به گروه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. جنوب این کشور به تدریج دارد به دست اسلام‌گرایان تندرو می‌افتد که برخی از آنها با القاعده هم‌پیمان هستند. گروهی دیگر رهبران قبایلی هستند که شاخه‌های نظامی دارند. استراتژی کمک‌های سخاوتمندانه سعودی در یمن تاکنون کارساز نبوده است. کشوری که در آستانه یک فروپاشی کامل قرار دارد. به اعتقاد سعودی‌ها، ۲۴میلیون یمنی گرسنه و مسلح که به ثروت عربستان حسادت هم می‌کنند، ممکن است به‌زودی به مرزها نزدیک شوند. اگر جنگی داخلی درگیرد، عربستان نمی‌تواند مانع موج آوارگانی شود که از یمن به طرف عربستان سرازیر خواهند شد. عربستان همچنان تردید دارد که ادامه حکومت علی عبدالله صالح به نفع این کشور خواهد بود یا به ضررش. در پایان باید گفت سعودی‌ها به‌رغم ثروتی که دارند همچنان از داخل و خارج در معرض بی‌ثباتی قرار دارند. هرچند در داخل میراث خاندان حاکم و نگرانی از هرج‌ومرج و افزایش هزینه‌های عمومی به کمک تعداد زیاد نیروهای امنیتی تا حدودی توانسته است آرامش را برقرار کند، اما فضای باز سیاسی و تنوع اقتصادی دور از دسترس دولت قربانی این آرامش خواهد شد.

منبع:قنطره



عکس: تصویر الکساندر لوکاشنکو در کتاب درسی کودکان هم نقش بسته است Getty images

آخرین دیکتاتور اروپا

ترجمه: محمدعلی فیروزآبادی

مرکز خرید بزرگی در مینسک، یک صرافی در وستیبول و نیمکتی در کنارش که سه زن روی آن نشسته‌اند و در حال حل جدول کلمات متقاطع هستند تا شاید زمانی بار دیگر یورو و دلار به اینجا بیاید. یکی از خانم‌ها می‌گوید: «ما اینجا یک فهرست انتظار داریم که نام ۳۱۰ نفر در آن نوشته شده که همگی می‌خواهند روبل‌هایشان را تبدیل کنند. من در ماه آوریل ثبت‌نام کرده‌ام و تازه حالا در جولای نوبتم رسیده است. همگی ما از چند روز پیش اینجا هستیم اما کسی برای فروش دلار مراجعه نکرده است.» روسیه سفید در ماه می امسال ارزش واحد پول خود را ۳۶درصد کاهش داد. روبل از مدت‌ها پیش دیگر چندان ارزشی ندارد و امروز در بازار سیاه هر یک یورو در مقابل ۹هزار روبل مبادله می‌شود، رقمی که نسبت به آغاز سال دو برابر شده است. به همین خاطر مردم در صورت امکان به اصطلاح به دامان پول‌های مطمئن‌تر پناه می‌برند.

امپراتوری عجیب و غریب این حاکم مطلق یعنی «الکساندر لوکاشنکو» را بحرانی دراماتیک فرا گرفته است: صادرات متوقف شده، بدهی‌های خارجی به شدت افزایش یافته و قیمت‌ها در حال انفجار است و از چند هفته پیش کمبود شدید بنزین در جایگاه‌ها کاملا به چشم می‌خورد.

با دیدن آن زنان مقابل صرافی در مرکز خرید مینسک ظاهرا همه پیشداوری‌ها در مورد ۹میلیون نفوس روسیه سفید تایید می‌شود: مردمی که حتی زمانی روزگار بر آنان سخت می‌گیرد، صلح طلب، شکیبا و فرمانبردار هستند و البته از سر تا پا غیرسیاسی. اما این تصویر امروزه دیگر چندان به واقعیت نزدیک نیست زیرا این مردم هم این روزها نافرمانی مدنی را تجربه می‌کنند. از هفته‌ها پیش هزاران نفر به خیابان‌ها می‌آیند و به صورتی بازی‌گونه و گاه خنده دار، نارضایتی خود از رژیم لوکاشنکو را نشان می‌دهند. ظاهرا به صورت کاملا ناگهانی در مکان‌های مختلف جمع می‌شوند به صورت گروهی در پارک‌ها گردش می‌کنند و ناگهان دست می‌زنند و هورا می‌کشند. الکساندر لوکاشنکو یا همان حاکم مطلق مینسک از ۱۷سال پیش حکومتی بی‌چون و چرا بر روسیه سفید دارد و اپوزیسیون سیاسی و مطبوعات آزاد را از کار انداخته است. به همین خاطر اعتراض‌های هفته‌های گذشته از نظر وی توقعاتی بیجاست و چنان به خاطر آن عصبانی است که در حال حاضر هر روز دسته‌دسته از مردم به دستور وی و بدون هرگونه توجیه حقوقی و قضایی بازداشت می‌شوند. «ولادیمیر گورباچ» سیاست پژوه اوکراینی می‌گوید: «هر وقت در روسیه سفید، شمار بازداشت‌ها به جای چند صد نفر به چندهزار نفر برسد، آنگاه روندی برگشت‌ناپذیر آغاز می‌شود.» روزنامه «نزاویسیمایا» چاپ مسکو نیز در یکی از شماره‌های اخیر خود برای اولین بار از نزدیک بودن «پایان دوران لوکاشنکو» نوشته است. آیا بعد از تونس، مصر و لیبی حال نوبت افول ستاره بخت آن رژیمی رسیده که چون وصله‌ای ناجور در میان دموکراسی‌های اروپای غربی و روسیه جدید قرار گرفته است؟

لوکاشنکو که اکنون ۵۶سال دارد، در زمان شوروی سابق کمیسر سیاسی یکی از کارخانه‌های تولید تانک بود و سپس مدیریت کارخانه سوخو را بر عهده گرفت. او در سپتامبر سال پیش و بعد از برگزاری انتخاباتی که آشکارا در آرای آن تقلب شده بود، بار دیگر بر صندلی ریاست‌جمهوری روسیه سفید تکیه زد. لوکاشنکو به‌راحتی توانست مقاومت اپوزیسیون بی‌رمقی را که بعد از تعطیلی شعب اخذ آرا هواداران‌شان را به خیابان‌ها فرا خوانده بودند، سرکوب کند، زیرا مخالفان رژیم در احزاب کوچک سازماندهی شده و اغلب آنان اعضای سابق احزاب سوسیالیستی بودند که به شدت با یکدیگر اختلاف داشتند و در میان مردم از پایگاهی برخوردار نبوده و نیستند.

لوکاشنکو با وعده دستمزدهای بالا و افزایش حقوق بازنشستگی در واقع آرای بسیاری از هموطنان خود را خریده بود و به این‌ترتیب توافق نانوشته‌ای میان رییس‌جمهور و مردم به وجود آمد که طبق آن مردم قول دادند هیچ دخالتی در سیاست نداشته و در عوض از امنیت اقتصادی بهره‌مند شوند و به این‌ترتیب بود که لوکاشنکو توانست بعد از پایان انتخابات بدون برخورد با مقاومتی در افکار عمومی، به‌راحتی با مخالفان سیاسی خود تسویه‌حساب کند. این افراد که در میان آنان نام‌های بسیاری از کاندیداهای ریاست‌جمهوری نیز به چشم می‌خورد، به اتهام «تحریک و تشویق مردم به ناآرامی» دستگیر و در حال حاضر در زندان به‌سر می‌برند.

اما در آغاز فصل بهار بود که فروپاشی اقتصاد روسیه سفید نمایان شد. وخامت اوضاع اقتصاد این کشور که البته پیش از این هم بابت قیمت‌های بالای نفت و گاز روسیه با مشکلات فراوانی روبه‌رو بود، به دلیل افزایش بی‌رویه و غیرمسوولانه میزان دستمزدها تشدید شد و از آنجایی که واردات روسیه سفید به مراتب از صادرات این کشور بیشتر است، بیلان اقتصادی روندی به شدت منفی پیدا کرد.

آنچه که در ۱۹دسامبر سال پیش اتفاق نیفتاد، حال و با شش‌ماه تاخیر در حال روی دادن است زیرا مردم خسته شده و جان‌شان به لب رسیده است. بنیاد مستقل تحقیقات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که با تعطیل شدن شعبه‌اش در مینسک فعالیت‌های خود را به ویلنیوس پایتخت لیتوانی انتقال داده است با برگزاری یک نظرسنجی مفصل دلایل تغییر عقیده مردم را ارایه کرده است.

بر پایه این نظرسنجی، شمار افرادی که از وضعیت مادی خود ناراضی هستند، از مارس امسال سه برابر شده است. به این‌ترتیب ۷۳درصد از مردم روسیه سفید از وخیم‌تر شدن دراماتیک کیفیت زندگی خود شکایت دارند و تقریبا نیمی از پرسش‌شوندگان شخص رییس‌جمهور را مسوول وضعیت فعلی می‌دانند. در ماه سپتامبر یعنی در دوران انتخابات ۵۵درصد از پرسش‌شوندگان هنوز به لوکاشنکو اعتماد داشتند اما این رقم در ژوئن امسال به ۳۳درصد کاهش پیدا کرد. نزدیک به نیمی از پرسش‌شوندگان عقیده دارند که رییس‌جمهور نه تنها برای کشور اقدامی نکرده، بلکه در این مدت قدرت کامل را در اختیار گرفته است.

شکاف در افکار عمومی از این جهت حایز اهمیت است که نشان می‌دهد انتقادها به حکومت مطلقه و فردی به طبقات متوسط نیز رسیده است یعنی همان مدیران رده‌های میانی و پایینی که سوسیالیسم دولتی لوکاشنکو را مصیبت‌بار عنوان می‌کنند. در حالت عادی اینک نوبت آن اپوزیسیون قدیمی است که دست به‌کار شود اما مخالفان سابق رژیم به‌خاطر سرکوب‌های بعد از ۱۹دسامبر چند قطبی شده و حال گروهی کاملا جدید جای آنان را گرفته است. این گروه خود را «انقلاب از طریق شبکه‌های اجتماعی» می‌نامد و همواره ایده‌های جدیدی برای کنش علیه قدرت دولتی، در اینترنت منتشر می‌کند. همین گروه بود که چند هفته پیش موفق شد نوعی جامعه مدنی را در روسیه سفید شکل دهد.

همین جامعه مدنی تازه شکل گرفته بود که جشن روز استقلال را در کام لوکاشنکو تلخ کرد. در همان حال که رییس‌جمهور از رژه نیروهای مسلح در مرکز شهر، سان می‌دید و در سخنرانی‌اش نسبت به «بروز هرج و مرج و بی‌قانونی» هشدار می‌داد گروه زیادی از مردم در دیگر خیابان‌ها به حالت اعتراض دست می‌زدند. از آنجایی که این ترفند اینترنتی از نهادهای امنیتی کشف شده بود، از قبل اعلام شد که به دستور شخص رییس‌جمهور کسی حق دست زدن در حین سخنرانی وی را ندارد و البته همین ممنوعیت‌ها بود که آن جشن دولتی را به تجمعی بی‌روح و خسته‌کننده بدل کرد. ماموران لوکاشنکو در سراسر آن روز آرام و قرار نداشتند. یکی از بلاگرهای روسیه سفید که خود را «ناتوزی لو» می‌نامد، در وبلاگ خود نوشته است: «راس ساعت هشت‌ونیم صبح با صدای در از خواب بیدار شدم. سه مامور پلیس از من خواستند که پنجره‌ها و در بالکن را بسته نگه داشته و به هیچ عنوان از خیابان فیلم و عکس نگیرم. در آن روز ۴۰۰ نفر بازداشت و به جرم شرکت در تظاهرات غیرقانونی به زندان یا پرداخت جرایم نقدی محکوم شدند.»

چند روز بعد نیز بار دیگر این صحنه‌های طنزآمیز تکرار شد. این بار فعالان اینترنتی از شهروندان خواستند که از مناطق حومه مینسک به سوی مرکز شهر پیاده‌روی کنند. اما از ساعاتی قبل از آغاز این به اصطلاح پیاده‌روی ماموران امنیتی و پلیس با مسدود کردن خروجی‌های ایستگاه‌های مترو بار دیگر صدها نفر را بازداشت کردند که در میان این بازداشت‌شدگان نام‌های سه خبرنگار تلویزیون روسیه نیز به چشم می‌خورد. نیروهای امنیتی افزون بر آن در اقدامی پیشگیرانه راه‌های منتهی به مراکز شهرهایی چون گومل، گرودنو و پینسک را نیز مسدود کرده بودند.

فعالان شبکه‌های اجتماعی در صفحه‌های خود ضمن جنایت بار خواندن دستورات رییس‌جمهور به نیروهای امنیتی، خطاب به وی نوشتند: «شما را به وجدان‌تان ارجاع نمی‌دهیم چون از وجدان بهره‌ای ندارید اما حداقل از خدا بترسید.» لوکاشنکو که ظاهرا دچار پارانویا شده است، این اعتراض‌ها را بخشی از «جنگ اطلاعاتی» علیه خودش می‌داند و عقیده دارد همه کسانی که این روزها به خیابان‌ها ریخته‌اند، از غرب پول می‌گیرند. او چندی پیش و در جریان یکی از سفرهای داخلی گفت: «اینها دشمنان ملت و ستون پنجم دشمن هستند.» و سپس با لحنی تمسخرآمیز در مورد بازداشت‌شدگان ادامه داد: «اگر اتحادیه اروپا این افراد را می‌خواهد، ما حاضریم همین فردا صبح آنهایی را که در زندان هستند و حتی کسانی را که هنوز آزاد هستند و در میدان‌ها عربده می‌کشند در یک قطار سوار کنیم و برای اروپایی‌ها بفرستیم.»

رییس‌جمهور روسیه سفید البته با کمی تخفیف شبیه به «اریش هونکر» رییس‌جمهور آلمان‌شرقی در آخرین روزهای حکومتش حرف می‌زند. این روزها روزنامه‌های مینسک هم مطالبی شبیه به مطالب روزنامه‌های برلین شرقی در پاییز ۱۹۸۹ دارند و در این مورد روزنامه دولتی و بی‌محتوای لوکاشنکو یعنی «روسیه سفید سوسیالیستی» گوی سبقت را از دیگر نشریات ربوده است. روزی نیست که در این روزنامه، مطلبی در مورد «غربی‌های بی‌عاطفه» و لزوم کار و تلاش بیشتر برای رسیدن به خودکفایی وجود نداشته باشد.

اما آیا لوکاشنکو موفق می‌شود که با وام‌های خارجی از فروپاشی اقتصاد کشورش جلوگیری کند؟ سرنوشت وی بسته به این پرسش است. روسیه و صندوق بین‌المللی پول با اعطای وام به روسیه سفید موافقت کرده‌اند اما این همسایه بزرگ شرقی در این میان صبر و طاقت خود در مورد لوکاشنکو را از دست می‌دهد. مسکو در حال حاضر انتظار دارد که مینسک به عنوان اقدام متقابل باارزش‌ترین دارایی خود را به معرض فروش بگذارد و دقیقا به همین خاطر بود که چند هفته پیش «الکسی میلر» رییس گازپروم طی تماسی تلفنی با مقام‌های روسیه سفید آمادگی خود برای خرید آخرین بخش از سهم مینسک از خط لوله بلتران گاز را اعلام کرد.

کارشناسان روسی امور روسیه سفید می‌گویند که این آخرین دیکتاتور اروپا برای مدتی طولانی از محبوبیت بالایی برخوردار بود و می‌توانست از این محبوبیت برای اصلاحات اقتصادی سرمایه‌گذاری کند اما اینک بی‌تردید همه شانس‌ها برای ایجاد تحولی مشروع در سیستم خود را از دست داده است. «والری کاربالیویچ» نویسنده روس زندگینامه دیکتاتور مینسک می‌گوید: «لوکاشنکو یا همان پسرک روستایی و یتیمی که دل در گرو عشق قدرت گذاشت، روز به روز رابطه خود با واقعیت را بیشتر از دست می‌دهد. او دیگر از آنچه در کشورش می‌گذرد، خبر ندارد. این نادانی اما مولد وحشت است.»

منبع:اشپیگل

دریچه

چرا اسراییل تن به تبادل اسرا داد؟

■ موافقت ناگهانی بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم اسراییل با آزادسازی بیش از یک‌هزار اسیر فلسطینی در برابر یک سرجوخه اسراییلی تابع بحران‌های داخلی این رژیم بود که از چندی پیش چون توفانی درگرفته و باوجود توجیهات اسراییل مبنی بر فقدان امنیت و انزوای سیاسی بین‌المللی، دولت نتانیاهو را فلج کرده بود. نشانه‌های مربوط به اوج دوباره جنبش اعتراضی در درون اسراییل، به‌خصوص پس از اعیاد یهودی و در اواخر اکتبر، نتانیاهو را بر آن داشت تا پیش‌دستی کرده و به دنبال راه نجاتی برای ائتلاف حکومتی خود باشد. اعلام بازگرداندن سرباز گلعاد شالیط یکی از همین راهکارها بود که بدون فوت وقت در پیش گرفته شد. نتانیاهو در نظر دارد با تبادل اسرا چند هدف را به‌طور همزمان برآورده کند، زیرا این مساله از یک سو نوعی اجماع اسراییلی را پشت سر دولت به وجود خواهد آورد و از سوی دیگر سرپوشی خواهد بود بر ناتوانی اسراییل در برابر چالش‌های منطقه‌ای و نیز اعتراضات مردمی که همچنان به گرانی کالاها و مساله زمین و مسکن ادامه دارد. به اعتقاد کارشناسان، دولت نتانیاهو قادر به مقاومت در برابر روند افزایش اعتراضات داخلی نبود، به طوری که این روزها در اسراییل سخن از امکان طرح برگزاری انتخابات زودهنگام می‌رفت و این به معنای شکست کامل نتانیاهو در اقناع مردم به‌خصوص پس از توصیه‌های کمیته تحقیق کنیست بود. عدم پاسخگویی نتانیاهو به این توصیه‌ها زیان بزرگی را برای او رقم زده است. آنتوان شلحت، یک پژوهشگر مسایل داخلی اسراییل می‌گوید نتانیاهو می‌خواهد از طریق پرونده شالیط جایگاه سیاسی داخلی خود را به‌خصوص پس از به راه افتادن موج اعتراضات مردمی در شهرهای مختلف و ناتوانی دولت از کنترل آنها تقویت کند. به گفته او نتانیاهو همچنان در پی آن است که وضعیت بین‌المللی خود را به‌خصوص پس از انقلاب‌های عربی و بحران شدید اسراییل و ترکیه و نیز مواضع انکاری او در رابطه با درخواست به رسمیت شناخته شدن یک دولت فلسطینی در سازمان ملل متحد بهبود بخشد. به گفته این پژوهشگر نتانیاهو همچنین می‌خواهد با افزایش سهمیه حماس در تبادل اسرا، از یک طرف آشتی فلسطینی‌ها را تحت‌الشعاع قرار دهد و بر اختلافات آنها دامن بزند و از سوی دیگر نگاه‌ها را از طرح به رسمیت شناخته شدن دولت مستقل فلسطینی در سازمان ملل منحرف کند. در همین رابطه برخی از تحلیلگران اسراییلی به نگرانی این رژیم از آینده انقلاب‌های عربی نیز اشاره می‌کنند، به‌ویژه آنکه رژیم‌های جدید و برآمده از این انقلاب‌ها همکاری با اسراییل را نمی‌پذیرند یا حاضر به دادن امتیاز یا بستن معاهدات جدید در این رابطه نیستند. برخی از تحلیلگران نظامی نیز در این رابطه می‌گویند نتانیاهو به خاطر ترس از رشد نفوذ ایران در خاورمیانه دست به چنین معامله‌ای زد، زیرا این مبادله در کل موجب تقویت موضع دولت نتانیاهو در برابر خطرات احتمالی آینده، به‌ویژه در شرایطی می‌شود که انتخاب یک گزینه نظامی قطعی شود. دکتر عبدالستار قاسم استاد فلسطینی علوم سیاسی در دانشگاه النجاح، می‌گوید: مبادله اسرای فلسطینی با شالیط در واقع برای ساکت کردن افکار عمومی اسراییل بود تا رهبران امنیتی و نظامی بتوانند خود را با واقعیت‌های موجود و آینده خاورمیانه تطبیق دهند.

منبع:الجزیره

وزارت نیرو
شرکت سهامی برق منطقه‌ای تهران

آگهی مناقصه عمومی
یک مرحله ای شماره ۹۰/۲۱۰

۱- نام و نشانی مناقصه گزار: شرکت برق منطقه ای تهران معاونت مالی و پشتیبانی به نشانی تهران - سعادت آباد بالاتر از کوی فراز، بلوار برق تهران

۲- موضوع مناقصه: تهیه و نصب پنجره های دوجداره upvc در پستهای فوق توزیع

۳- زمان، مهلت، مبلغ و محل دریافت اسناد: متقاضیان می توانند از تاریخ درج آخرین آگهی به مدت ۵ روز کاری با در دست داشتن فیش بانکی به مبلغ ۳۰۰/۰۰۰ ریال در وجه حساب سیبا به شماره ۲۱۷۵۰۹۹۰۰۴۰۰۴ بانک ملی - شعبه برق تهران بنام شرکت برق منطقه ای تهران و معرفینامه، به منظور دریافت اسناد مناقصه به آدرس سعادت آباد کوی فراز- بلوار برق - شرکت برق منطقه ای تهران - ساختمان ستادی - طبقه سوم بال شرقی اتاق ۶ امور تدارکات جاری در ساعات اداری مراجعه نمایند.

۴- مدت اعتبار پیشنهادات: اعتبار پیشنهاد از زمان افتتاح پاکات سه ماه بوده و برای سه ماه دیگر نیز معتبر می باشند.

۵- نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۱۹۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد که بایستی مطابق شرایط مندرج در اسناد مناقصه تهیه و تسلیم گردد.

۶- زمان و محل تسلیم پیشنهادات: پیشنهاد دهندگان می بایستی پیشنهادات خود را در پاکت لاک و مهر شده از ساعت ۹ الی ۱۱ روز سه شنبه مورخ ۹۰/۰۸/۱۷ به دبیرخانه ساختمان ستادی (طبقه همکف) به نشانی مناقصه گزار تحویل و رسید دریافت دارند.

۷- گشایش پیشنهادات: پیشنهادات واصله راس ساعت ۱۳/۳۰ روز سه شنبه مورخ ۹۰/۰۸/۱۷ در سالن کنفرانس پژوهش ۳ گشایش خواهد یافت.

۸- ارائه شماره اقتصادی الزامی است.

۹- سایر شرایط:
- پیشنهاد دهندگان بایستی دارای حداقل رتبه ۵ ابنیه از سازمان راهبردی ریاست جمهوری کشور یا سابقه مفید در تهیه و نصب پنجره های دوجداره upvc باشند.
- ارائه رضایتنامه در سه سال گذشته در این خصوص از کارفرمایان قبلی الزامیست.
- آگهی فوق در شبکه اطلاع رسانی تواتیر به آدرس www.tavanir.org.ir (مناقصات برق تهران) و پایگاه ملی مناقصات به آدرس www.http://iets.mporg.ir قابل دسترسی می باشد.

روابط عمومی برق تهران
نشانی وب سایت برق تهران www.tree.co.ir
نشانی پایگاه خبری برق تهران http://tabesh.tree.co.ir